

محیطی و آثار آن بر آب، هوا، خاک، جنگل که پایه اصلی حیات را تشکیل می‌دهند نه تنها بر کسی پوشیده نیست. بلکه همگان نیز بر آن تأکید دارند که این منابع حیاتی برای سلامت زندگی انسانها و انسانهایی که در نوبت ورود به این کره خاک قرار دارند الزامی است.

بیابانی شدن، شورشدن، باتلاقی شدن اراضی از مشکلاتی است که در اراضی کشورمان وجود دارد.

سازمان محیط زیست مسئولیت حفظ و حمایت از محیط زیست را در کشور بعهده دارد. اما طبعاً این بدان معنی نیست که بقیه در آن مسئولیتی ندارند و می‌توانند نسبت به آن بی تفاوت باشند. بلکه ضرورت دارد هر کسی به نوبه خود در این امر مهم کوشا باشد.

از این رو ماهنامه تعاون پیشنهاد می‌نماید که:

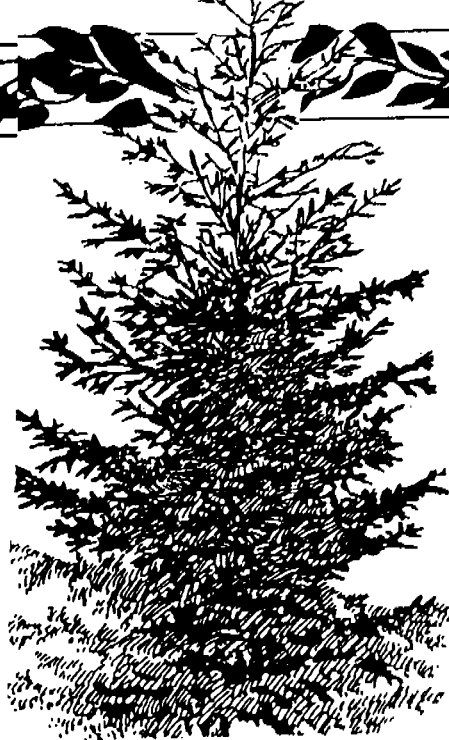
سازمان محیط زیست زمینه‌های اجرایی و فراگیر مشارکت مردمی را در جهت حفظ و حمایت از محیط زیست طراحی نماید و آن دسته از فعالیت‌ها را که می‌توان از طریق تشکلهای مردمی انجام داد در قالب «تعاونی‌ها» اجرا کند و نهضت حفظ و حمایت از محیط زیست را در کشور سازمان دهد.

بدین جهت و با همکاری متقابل وزارت تعاون و سازمان محیط زیست می‌توان موجبات مشارکت مردم و بویژه روستائیان را در این امر مهم فراهم نمود:

امنیت محیط زیست

در سطح کلان و در عرصه‌های گوناگون امور بین الملل، یکی از بحث‌های داغ و پر جنب و جوش را می‌باید در زمینه محیط زیست جستجو نمود. دو دهه قبل اولین گزارشات مربوط به سنگین شدن فعالیت‌های بشری بر روی محیط زیست به مجامع جهانی راه یافت و خواسته‌های جدید و توصیه‌های محکمی نیز از دولت‌ها برای کاهش این سنگینی‌ها بعمل آمد.

در سال ۱۹۸۹ سران گروه هفت کشور



مقالاتی کوتاه از

مفاهیمی وسیع

این شماره: محیط زیست

تهیه و تنظیم: محمود زارع زاده

توضیح:

محیط زیست از موضوعات بسیار وسیع در گستره زندگی انسانها در کره زمین می‌باشد.

حفظ و حمایت از محیط زیست صرفاً یک امر نمادین و سمبلیک نیست، بلکه یک وظیفه بلاانقطاع انسان است.

مقاله‌ای را که پیش روی دارید، برگرفته از تعدادی از انتشارات و نیز مذاکرات در سطح سازمانهای تخصصی بین المللی نظیر فائو، یونپ، و... میباشد که مجله ماهنامه تعاون نیز قصد چاپ آنرا نموده است. بی تردید، امروزه انواع آلودگیهای زیست

اصلاح وضعیت و امنیت محیط زیست در کره ارض برای ورود به یک عصر جدید، نیاز به تفاهات جدی و هماهنگ بین کشورهای صنعتی و در حال توسعه دارد، و تفاهات و همکاریهای «شمال و جنوب نیز عملی نخواهد شد مگر آنکه سیاستهای دیرینه و سنتی در زمینههای گوناگون مثل تجارت بین الملل، بدهکاری و دیون، توسعه و همکاریهای ذیربط، انرژی، تکنولوژی و انتقال آن و جمعیت دگرگون و تغییر یابند و بعبارت دیگر «محیط زیست» بر اینها برتری یابد.

صنعتی (معروف به گروه ۷) در پاریس، اجلاس خود را «اجلاس سبز» که عموماً حول محور محیط زیست بود برگزار کردند. در آن نشست بر مستلح حفظ محیط زیست تاکید شد در سال ۱۹۹۲ نیز اجلاس مهم و تعیین کننده جهانی به نام «محیط زیست و توسعه» در ریودوژانیرو برزیل و با حضور سران اکثر کشورهای جهان برگزار گردید.

این اجلاس بزرگ تحت اقدامات سازمان ملل متحد انجام گردید و مصوبات آن نیز از طریق سیستم سازمان ملل متحد و سایر سازمانهای بین المللی و تخصصی مورد پیگیری قرار خواهد گرفت.

اجلاس محیط زیست و توسعه ملل متحد (UNGED) بنام «اجلاس زمین» با دستور العملی برای قرن ۲۱ کار خود را آغاز و به پایان رساند. تعهدات امضاء شده تمامی نمایندگان حاضر کشورهای جهان در اجلاس فوق، ضمن مشخص نمودن خط مشیها و برنامههای اجرایی و عملی توسط سازمانهای تخصصی بین المللی مورد پیگیری بعمل خواهد آمد.

با پایان یافتن جنگ سرد بین «شرق» و «غرب» و فروپاشی کمونیسم، عقیده بر این است که ارتباطات بین المللی «شمال» و «جنوب» می تواند به خوبی توسعه یابد و یکی از محورهای گسترش یافتن ارتباطات شمال و جنوب را با توجه به اهمیت حیاتی و

اساسی آن می توان محور «محیط زیست» مطرح نمود.

وخیم تر شدن وضعیت اتمسفر، از دست رفتن تنوع طبیعی (Biodiversity) و تخریب منابع (بویره در کشورهای جهان سوم) از جمله چالش هائی هستند که امروزه جهان و در ارتباط با زیست محیط با آن مواجه است.

اصلاح وضعیت و امنیت محیط زیست در کره ارض برای ورود به یک عصر جدید، نیاز به تفاهات جدی و هماهنگ بین کشورهای صنعتی و در حال توسعه دارد، و تفاهات و همکاریهای «شمال و جنوب نیز عملی نخواهد شد مگر آنکه سیاستهای دیرینه و سنتی در زمینههای گوناگون مثل تجارت بین الملل، بدهکاری و دیون، توسعه و همکاریهای ذیربط، انرژی، تکنولوژی و انتقال آن و جمعیت دگرگون و تغییر یابند و بعبارت دیگر «محیط زیست» بر اینها برتری یابد.

حفظ اتمسفر در کرو کاهش یافتن گازهای است که موجب وخامت آن شده اند و در میان آنها می توان از دو گاز عمده گلخانه ای یعنی دی اکسید کربن و متان و گاز سومی بنام کلروفلوروکربن (CFCs) که نابود کننده ازن اتمسفر نام برد.

کشورهای صنعتی در یک صد ساله اخیر منبع اصلی تولید این گازهای مخرب گلخانه ای بوده اند و می باشند. کشورهای

در حال توسعه نیز با بکارگیری تکنولوژیهای امروزی ۳۰ درصد تولید سالیانه چنین گازهایی را به خود اختصاص داده اند.

افزایش دی اکسید کربن بعلت نابودی جنگلها و استفاده های نامطلوب از اراضی بوده و حدود یک سوم از دی اکسید کربن تولید شده نیز ناشی از فعالیت های صنعتی انسان می باشد.

بیش از سه هزار میلیون سال از تکامل بیولوژیک طبیعت می گذرد. گونه های طبیعی بی نظیری که گیتی را اشغال کرده اند حدود ۶۵ میلیون سال از عمرشان می گذرد، امروزه ۱/۳ از تمامی گونه های گیاهی و جانوری جهان از بین رفته و منقرض شده اند. گونه های مختلف کره زمین بین ۵ تا ۳۰ میلیون برآورد شده است که فقط نیمی از آنها در جنگلهای حاره آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا زندگی می کنند، بسیاری از این گونه ها در جهان در مرحله ای قرار گرفته اند که نابودیشان متأسفانه قطعی شده است.

جهان سالیانه ۱۶ میلیون هکتار از جنگلهای حاره ای را از دست می دهد و روزانه حدود یکصد گونه در طبیعت منقرض میشود. اگر روند تخریب طبیعت بهمین نحو ادامه یابد تا چند دهه دیگر کره زمین ۱/۳ از گونه های حیاتی خود را از دست خواهد داد، بسا از دست رفتن ایر

گونه‌ها «زمین ما» عظمت و ثروت خود را از دست داده و فقیر و نادر خواهد شد. گرم شدن زمین در سالهای آتی و نیز تغییر رژیم آب و هوایی و بزرگ رفتن آب بسیاری از مناطق و خشکیها، از دیگر تهدیداتی است که در رابطه با محیط زیست و در سطح کلان مطرح است.

عاری شدن زمین از پوشش سبز در نتیجه پیشروی کویر را باید به این وخامت افزود.

مهاجرت‌های وسیع اکولوژیک از پی آمدهای ناخواسته آن می‌باشد.

همه اینها نگرانیهای وسیع و شدید را در ابعاد گوناگون بوجود آورده است. تخریب محیط زیست از بعد سیاسی نیز حائز اهمیت فراوان است، بنظر می‌رسد مرزهای جغرافیائی کشورها در سالهای آتی از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار گردد، ولی چنین قضاوتی را برای حفظ محیط زیست نمیتوان پیش بینی نمود.

مسائل و مشکلات عمده‌ای که تخریب محیط زیست موجب آن است بمراتب وسیع‌تر و وحشتناک‌تر از سایر مشکلاتی است که انسان خود آن را بوجود می‌آورد. فقر و گرسنگی در ارتباط با تخریب محیط زیست قرار دارد و تخریب محیط زیست نیز شدید کننده فقر و گرسنگی است.

مشکلات ناشی از محیط زیست از ابعاد متنوع و گوناگون برخوردار است و بر نتیجه راه حل آن نیز چند بعدی است. بدون همکاری جهان صنعتی و کشورهای در حال توسعه حفظ مأوا و محل سکونت انسان امکان‌پذیر محیط زیست در جهان غرب و جهان فقیر متفاوت است.

چگونه می‌توان انتظار داشت آنهایی که رای زنده ماندن و سیر کردن شکم خود در ضمیمه هستند برای آینده «فکر» نمایند. تنها جهان سوم به اراضی، آب، خاک، و بویهای جنگلی و تولید محصولات خام صادراتی بمراتب بیشتر از جهان غرب به

این منابع است. و این همه یعنی فشار بر منابع طبیعی. این، رهیافتی است که جهان غرب باید آنرا درک نمایند، و تنها تشکیل اجلاس و قطعنامه صادر نمودن نمی‌تواند امنیت «زمین ما را» برقرار نمایند. بین فقر و تخریب محیط زیست رابطه‌ای مستقیم وجود دارد، منابع تخریب شده دیروز فقر امروز را بوجود آورده است و فقر امروز نیز تخریب منابع طبیعی فردا را در بر دارد. آیا این دو رو تسلسل می‌تواند همچنان ادامه یابد؟ بایستی عاقلانه با موضوع برخورد کرد و به نظر می‌رسد امروزه زمان آن نیز بیش از هر وقت دیگر فرا رسیده است.

در یک کلام «امنیت» در گرو حل مشکلات زائیده از فقر و گرسنگی و حل این مهم نیز در گرو تغییر سیاست‌های فعلی در زمینه‌های، بخصوص اقتصادی و توسعه است و این راهی است که جامعه جهانی باید بر آن تاکید ورزد و جهان باید در این زمینه‌ها طرحی نو افکند.

محیط زیست Environment

امروزه، یکی از موضوعات آرام ولی پر جنجال در صحنه بین المللی و نیز سیاست‌های اجرائی کشورهای منفرد بویژه در ارتباط با کشورهای صنعتی و پیشرفته، مسأله محیط زیست و عنوان نمودن آن درکش و قوسهای جریانانات اقتصادی و سیاسی در سطح جهانی است. محیط زیست در تعریف نهائی خود دامنه‌های وسیعی از موجودیت حیات بشری و بخصوص حفظ و حمایت از کره زمین را مورد توجه قرار می‌دهد، تصور براین است که کره ارض که در واقع تنهاترین مأوای سکونت انسان و تمامی موجودات روی زمین می‌باشد با خطر جدی مواجه گردیده است. کاهش لایه ازن، آلودگی شدید هوا، آبها و دریاها، از بین رفتن بسیاری از گونه‌های ژنتیکی، تغییر اقلیم و گرم شدن کره زمین، کاهش سطح

جنگلها، بارش بارانهای اسیدی، بیابانی شدن اراضی، همه و همه هشدارهایی است که معتقدین به حفظ محیط زیست و اکولوژیست‌ها بر آن تاکید و تکیه می‌نمایند.

طی ۱۰۰ سال گذشته بر اثر افزایش مصرف سوخت فسیلی (ذغال سنگ، نفت و گازهای طبیعی) و همچنین تخریب جنگلها، غلظت گاز کربنیک موجود در جو زمین از ۲۷۵ قسمت در میلیون (ppm) به ۳۵۲ قسمت در میلیون رسیده است و در حال حاضر نیز با نرخ ۲/۵ درصد در سال در حال افزایش است، بر اساس بررسی‌های بعمل آمده تخمین زده شده است که بعلت روند فزاینده غلظت گاز کربنیک در جو زمین، درجه حرارت کره زمین در سالهای اخیر با شدت ۰/۳ درجه سانتیگراد در هر دهه در حال فزونی است که این شدت افزایش در طی ۱۰ هزار سال گذشته بی سابقه بوده است.

بر پایه این روند افزایشی در چه حرارت کره زمین، بنابر تحقیقات بعمل آمده، بر متوسط درجه حرارت کره زمین، تا سالهای ۲۰۱۰، ۲۰۳۰ و ۲۰۵۰ نسبت به سال ۱۹۸۰ به ترتیب ۱/۵، ۲/۵ و ۴ درجه سانتیگراد افزوده خواهد شد. طبق برآوردی که اخیراً بعمل آمده است، سالیانه حدود ۷ میلیارد تن گاز کربنیک و سایر گازهای گلخانه‌ای بعلت فعالیت‌های بشر به اتمسفر اضافه میشود، که قسمت عمده این گازها ناشی از سوخت فسیلی بوده و حدوداً ۱۴-۹ درصد آن به ترتیب مربوط به بخش کشاورزی و جنگل می‌باشد.

ایجاد تغییرات و دگرگونی در عوامل و شرایط طبیعی و متعادل زیست محیطی که بی شک پیرو فعالیت‌های انسانی (در کشورهای صنعتی و کشورهای غیر صنعتی) پدیدار می‌گردد، موجب بروز نگرانیهای شدیدی در بین محققین و دانشمندان گردیده است. گرم شدن کره زمین و بروز پی آمدهای ناگوار آن زندگی

بشر بویژه زندگی نسلهای آینده را مورد تهدید قرار می‌دهد که این خود نیز موجب نگرانی شدیدی بین جوامع بشری شده است.

اصولاً، اقلیم و یا آب و هوا (Climate) در اثر یک سری از اعمال متقابل و فعل و انفعالات پیچیده بین جو، اقیانوس ها و زمین بوجود می‌آید. جو کره زمین با وجودی که دارای مواد ملکولی چند اتمی نظیر بخار آب و گازکربنیک (CO2) و سایر گازهای دیگر نیز می‌باشد، امواج کوتاه حاصل از تشعشعات خورشیدی را به راحتی از خود عبور می‌دهد. پس از برخورد تشعشعات خورشیدی با سطح زمین، مقداری از آن مجدداً به فضا منعکس میشود و مقداری نیز جذب سطح زمین و گازهای موجود در جو زمین می‌گردد.

در نتیجه این فعل و انفعالات و در اثر جذب انرژی‌های برگشتی از سطح زمین و گازهای موجود در اتمسفر پدیده گازهای گلخانه‌ای (Greenhouse) و یا اثر گلخانه‌ای (Greenhouse effect) بوجود می‌آید که موجب گرم شدن سطح زمین و جو

آن نیز می‌گردد. بدین ترتیب حالت طبیعی و متعادل پدیده گازهای گلخانه‌ای نقش بسیار مهم و حیاتی برای زیستن در سطح زمین داشته و یا بعبارت دیگر، گازهای گلخانه‌ای نقش تنظیم کننده درجه حرارت کره زمین و جو آن را عهده دار می‌باشند. و در صورتیکه این گازها در اتمسفر زمین وجود نداشت، متوسط درجه حرارت سطح زمین حدود ۱۸ درجه سانتیگراد زیر صفر بوده و با مقایسه با ۱۵ درجه فعلی حدود ۳۳ درجه کمتر می‌بوده.

تحت شرایط نرمال، جنگلها، منابع مهمی برای بخار آب اتمسفر می‌باشند. از آنجاکه بخار آب یکی از گازهای مهم اتمسفر است، بنابراین، در فرایندهای اقلیمی، نقش بسیار مهمی ایفاء می‌کند، در نتیجه می‌توان گفت، که جنگلها از نظر آب و هوای کره ارض نقش اساسی و حیاتی را دارا هستند. و ضمناً جنگلها یکی از اکوسیستم‌های مهم ذخیره کربن هستند، که در نتیجه تخریب، آتش سوزی و یا تبدیل به اراضی کشاورزی، در انتشار گاز کربنیک و سایر گازها اثر بسزائی خواهد داشت. بدیهی است، عامل و یا عواملی که منجر



به تغییر اقلیم می‌گردند، در متن خود دارای پی آمدها و اثراتی نیز می‌باشند. بنابراین تحقیقات و بررسی‌های انجام شده، می‌توان، بطور اختصار و اجمال موارد زیر را حاصل پی آمدها، اثرات و نتایج پدیده تغییر اقلیم تصور نمود:

الف- متوسط درجه حرارت کره زمین تا سال ۲۰۵۰ در مقایسه با سال ۱۹۸۰ حدود ۲ درجه سانتیگراد افزوده خواهد شد.

ب- افزایش درجه حرارت در همه مناطق کره زمین یکنواخت نخواهد بود، بدین ترتیب که، تغییرات درجه حرارت بسوی قطب شمال بیش از دو برابر متوسط افزایش درجه حرارت کره زمین در مناطق استوائی خواهد بود، و ضمناً تغییر درجه حرارت در مناطق قطب شمال سریع‌تر از مناطق دیگر اتفاق می‌افتد.

ج- رژیم‌های بارندگی در سطح کره زمین بنحوی تغییر خواهد کرد که، موجب وقوع بارانهای شدیدتر در مناطق استوائی مرطوب، ریزش بیشتر بارانهای زمستانه در مناطق با عرض جغرافیائی بالاتر و کاهش بارانهای تابستانی در مناطق با عرض جغرافیائی میانی خواهد شد.

نتیجتاً این گونه تغییر رژیم بارندگی از طریق افزایش اختلاف بین میزان بارندگی و تبخیر و تعریق، باعث بروز عدم تعادل بین آب و خاک در قسمت‌های مهم از جمله تولید غلات مناطق معتدل (Temperate) در هر دو نیمکره زمین می‌گردد.

د- تغییر میانگین دراز مدت پارامترهای اقلیمی، منجر به تکرار بیشتر و شدیدتر شدن وقایع آب و هوایی استثنائی می‌گردد و ضمناً دوره خشک و مرطوب شدیدتر و احتمال وقوع آنها نیز طولانی‌تر میشود.

ه- تغییرات نامعلوم در مدت و شدت پوشش ابری، طبعاً بر تعادل تشعشعات خورشیدی و عمل فتوسنتز گیاهان مؤثر خواهد بود.

مسائل و مشکلات عمده‌ای که تخریب محیط زیست موجب آن است
بمراتب وسیع‌تر و وحشتناک‌تر از سایر مشکلاتی است که انسان خود
آن را بوجود می‌آورد. فقر و گرسنگی در ارتباط با تخریب محیط زیست
قرار دارد و تخریب محیط زیست نیز تشدید کننده فقر و گرسنگی
است.

تعریف بیابانی شدن: Desertification:

تعریف زیر از بیابانی شدن، آخرین و
نهائی‌ترین تعریفی است که توسط
UNEP (برنامه محیط زیست و توسعه
سازمان ملل متحد) برای ارائه به
UNCED (کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان
ملل متحد) بعمل آمده است.

بیابانی شدن، نتیجه نهائی و معکوس
فعالیت انسانی می‌باشد که باعث تخریب
اراضی در مناطق خشک، نیمه خشک و
خشک نیمه مربوط روی می‌دهد.
بمنظور ارزیابی از میزان اراضی خشک
جهان می‌توان از دو تقسیم بندی زیر
استفاده نمود:

الف- اراضی خشک جهان، بر اساس نوع
پوشش نباتی خاک (Soil/Vegetation data):

که طبق این تقسیم بندی، میزان اراضی
دنیا ۶/۴۵ میلیارد هکتار و یا معادل ۲۳
درصد مجموع اراضی جهان می‌باشد.

ب- اراضی خشک جهان، بر اساس
خصوصیات اقلیمی (Climatic data):

طبق این تقسیم بندی مقدار اراضی خشک
دنیا، ۵/۵۵ میلیارد هکتار و یا ۳۷ درصد از
کل اراضی جهان را شامل می‌شود.

همچنانکه مشاهده می‌شود، بر اساس این
دو تقسیم بندی اختلافی معادل ۰/۹ میلیارد
هکتار و یا ۶ درصد از مجموع اراضی جهان
وجود دارد که این مقدار را می‌توان جزء
بیابانهای که توسط انسان بوجود آمده‌اند
دانست.

به استثنای بیابانهای بسیار خشک، حداقل

و- بر ارتفاع سطح آب دریاها تا سال ۲۰۵۰
حدود ۳۰ تا ۵۰ سانتیمتر و تا سال ۲۱۰۰
بمیزان یک متر افزوده می‌شود. (طی قرن
گذشته حدود ۲۰ سانتیمتر بر سطح آب
دریاها اضافه شده است). بهر حال، در
صورت افزایش سطح آب دریاها، بسیاری
از مناطق کشورها، علی الخصوص
کشورهای در حال توسعه واقع در مناطق
پست، جزایر و دلتاها علاوه بر آنکه به زیر
آب خواهند رفت، از نظر نفوذ آب شور در
پایه منابع آب زیر زمینی و در نتیجه ایجاد
خشکسالی در سیستم‌های آبریزان و ایجاد
تغییرات نامطلوب در سطوحی از اراضی
آبی و دیم سیستم‌های تولید محصولات
زارعی و آسیب پذیر ساختن آنها حائز
اهمیت است.

مطالب فوق بدون شک، صرفاً حالت
طبیعی نداشته بلکه تغییر اقلیم و ایضاً گرم
شدن سطح کره زمین و پیرو آن، احتمالات
زیب الوقوع پی آمده‌ای گفته شده را محقق
نخواهد ساخت.

در نتیجه فعالیت‌های انسان در کره
زمین را باید مورد توجه قرار داد و مرکزیت
آن دانست، یعنی انسان که خود جزئی
از طبیعت است، بعنوان نابود کننده طبیعت
بیز عمل می‌کند.

گفته‌اند که جنگلها قبل از انسان و
بیابانها بعد از انسان بوجود آمده‌اند، در
بیر مطلبی کوتاه و مختصر از بیابان و
بیابانی شدن را که خود موجب تخریب
زیست محیطی است، مورد توجه و ارزیابی
قرار می‌دهیم.

۳/۹۷ میلیارد هکتار یا ۷۵/۱ درصد از
مجموع اراضی خشک دنیا در خطر و تهدید
بیابانی شدن قرار دارند و بیش از صد
کشور جهان گرفتار پدیده بیابانی شدن
می‌باشند. اراضی خشک جهان بیش از ۱۵
درصد از کل جمعیت جهان را در خود جای
داده است. حدود ۷۸/۵ میلیون نفر از
جمعیت دنیا در حال حاضر مواجه با پدیده
شدید بیابانی شدن بسر می‌برند. به
پدیده‌های فوق الذکر می‌توان حالات زیر را
نیز اضافه نمود:

- نرخ سالیانه تخریب اراضی در مناطق
خشک و نیمه خشک در مجموع حدود ۵/۲۵
میلیون هکتار است که بر اساس
خصوصیات اراضی بشکل زیر می‌باشد:

الف- تخریب اراضی آبی ۰/۱۲۵ میلیون
هکتار

ب- تخریب اراضی کشت و زرع بصورت
دیم ۲/۵ میلیون هکتار.

ج- تخریب اراضی مرتعی ۳/۲ میلیون
هکتار.

- زیان سالیانه حاصل از عدم قابلیت
تولید، باعث تخریب اراضی حدود ۲۶
میلیارد دلار برآورد شده است.

- سالیانه حدود ۳۸۸ میلیون دلار بابت
اصلاح اراضی تخریب شده هزینه می‌شود.

- سود سالیانه از اصلاح اراضی حدود ۸۹۵
میلیون دلار برآورد گردیده است.

- کشورهای در حال توسعه بمنظور کنترل
بیابانی شدن اراضی خود در یک برنامه
بیست ساله ۹۰ میلیارد دلار احتیاج دارند
که در حدود نیمی از آنرا بایستی بصورت
کمک از کشورهای پیشرفته دریافت دارند.

اطلاعات فوق الذکر، بر پایه ارزیابی
بعمل آمده در سال ۱۹۷۷ می‌باشد. بعد از
آن نیز، دو ارزیابی دیگر تاکنون، یکی در
سال ۱۹۸۴ و دیگری در سال ۱۹۹۱ در
زمینه پدیده بیابانی شدن بعمل آمده است
که متأسفانه جریان بیابانی شدن را با
شدت بیشتری از قبل نشان می‌دهد.

بعنوان مثال در ارزیابی بعمل آمده در سال ۱۹۸۴ می‌توان به پدیده‌های زیر اشاره نمود:

- بیابانی شدن جهان از سال ۱۹۷۷ به بعد علیرغم فعالیت‌هایی که به منظور کنترل آن صورت گرفته است، همچنان با شدت بیشتری در حال گسترش می‌باشد.

- تخریب اراضی و سیر آن بطرف بیابانی شدن در سال معادل ۶ میلیون هکتار برآورد شده است و این در حالی است که سالیانه حدود ۲۰ تا ۲۱ میلیون هکتار از اراضی از حیز انتفاع (بهره اقتصادی) خارج گشته‌اند.

- حدود ۳۱۰۰ میلیون هکتار از مراتع و ۳۵۵ میلیون هکتار از اراضی زراعی دیم و ۴۰ میلیون هکتار از اراضی آبی که در مجموع رقمی معادل ۳۴۷۵ میلیون هکتار را شامل میشوند در مرحله بیابانی شدن قرار دارند. - جمعیت روستائی که شدیداً در معرض خطر بلحاظ بیابانی شدن اراضی قرار دارند بالغ بر ۱۳۵ میلیون نفر برآورد شده است.

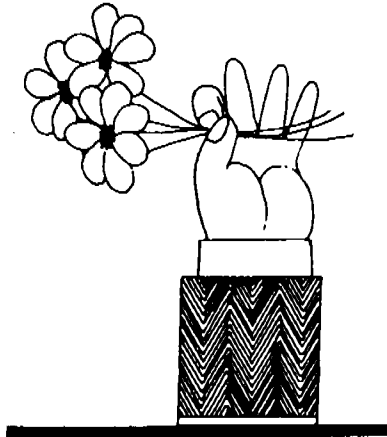
- پیش بینی می‌گردد که تا سال ۲۰۰۰، بر مقدار اراضی مرتعی بیابانی که در معرض شدن قرار دارند افزوده گردد و همچنین این امر در اراضی دیم زارعی نیز صادق می‌باشد ولی بیابانی شدن اراضی آبی بدون اینکه بهبودی در وضعیت تولیدی آنها حاصل شود بهمان مقدار سال ۱۹۸۴ باقی میماند.

- هزینه اصلاح اراضی بیابانی شده حدوداً ۵ برابر هزینه جلوگیری از بیابانی شدن اراضی برآورد شده است.

پی آمدهای حاصل از بیابانی شدن
در ارزیابی‌های چند گانه که تاکنون در سطح بین المللی در رابطه با پدیده بیابانی شدن بعمل آمده است، در تمامی آنها بوضوح مشاهده شده است که نه فقط انسان خود عامل اصلی بیابانی شدن اراضی آباد و حاصل خیز بشمار می‌رود،

بیابانی شدن مترادف است با بروز مشکل و مساله هم برای مردم و هم برای دولت.

علت آوارگی و در بدری میلیونها آفریقائی و آسیائی را می‌توان در پدیده بیابانی شدن جستجو نمود و از اینجا به بعد است که سیاست بازان نیز وارد معرکه شده و از تمامی امکانات بنفع خود استفاده می‌برند. ناآرامیهای اجتماعی، قتل و غارت، استثمار، خشونتها، سوء استفاده‌های اخلاقی، فساد و سایر تبهکاریها قسمتی از این پدیده شوم است که بر سر راه آوارگان و در بدران اکولوژیک نیز قرار دارد.



بیابانی شدن نوعی بیماری اکولوژیک بشمار می‌رود و البته بسیار خطرناک و وخیم که نشانه‌های این بیماری را می‌توان بشرح زیر مشاهده نمود:

الف- کاهش یافتن ظرفیت تولید و محصولات کشاورزی و پائین آمدن عملکرد زراعی و زراعت‌های آبی.

ب- از بین رفتن گیاهان و قدرت تولیدی آنها در مراتع و در نتیجه گرسنه ماندن دامهای وابسته به این مراتع.

ج- کاهش بیوماس منطقه و در نتیجه در مشکل قرار گرفتن اهالی برای تامین نیازهای سوختی و ساختمانی.

و- هجوم شتهای روان و به زیر شن رفتن اراضی کشاورزی، ساختمانها و تاسیسات، جاده‌ها و راههای ارتباطی.

ه- افزایش یافتن قدرت تخریبی سیلابها و همچنین ایجاد سیل و در نتیجه آلودگی آبها و هوا.

د- بالا گرفتن مشکلات اجتماعی، و آغاز مهاجرت و افزایش تقاضای مبرم اهالی برای انواع کمک‌ها بویژه کمک‌های غذایی.

بهر تقدیر، بیماری خطرناک بیابانی شدن قابل علاج و درمان نیز می‌باشد که مقرون به صرفه‌ترین روش مبارزه با آن، جلوگیری از شیوع آن است.

بلکه او خود نیز اولین قربانی پدیده بیابانی شدن می‌باشد. در کشورهای جهان سوم، یک از اصلی‌ترین عوامل مهاجرت روستائیان و عشایر به شهرها و مسکن گزیدن آنان در حلیی آبادهای شهرهای بزرگ را می‌توان در رابطه با بیابانی شدن جستجو نمود. اینگونه مهاجرت‌ها که صرفاً بمنظور راهیابی به یک زندگی بهتر صورت می‌گیرد بهمین جا ختم نمی‌شود و متأسفانه باید پی آمدهای بعدی آنرا نیز که عموماً در قالب ناآرامیهای اجتماعی و بر هم خوردن نظم و شیوع انواع بیماریها و نیز بروز بعضی از خشونت‌های اجتماعی و بخصوص ارتکاب به انواع جنایات می‌باشند را بر آن افزود. براین پدیده‌ها می‌بایست تاخیر در احیاء و اصلاح اراضی قبلی که گرفتار بیابانی شدن، گشته‌اند را به علت خالی شدن صحنه از سکنه فعال و افزود و بدیهی است که این امر نیز خود موجب گرفتاری دولت‌ها را فراهم می‌سازد. بروز خشکسالی که یکی دیگر از خشونت‌های طبیعت است را باید به همه اینها افزود. حاصل نهائی پدیده بیابانی شدن را می‌توان در جمله زیر خلاصه نمود:

از دست رفتن تنوع حیاتی Biodiversity آنچه که در رابطه با محیط زیست (Environment) و بویژه در ارتباط با تخریب آن حائز اهمیت است و می‌باید به آن توجه عمیق نمود، موضوع پر دامنه تنوع حیاتی گونه‌های مختلف جانداران است و اهمیت آن وقتی بیشتر و بهتر روشن می‌شود که بدانیم، اصولاً زندگی انسانها وابسته به تنوع حیاتی سایر موجودات و بویژه گیاهان است، چنانچه تحت هر عنوانی خسارت و زبانی به تنوع حیاتی طبیعت وارد شود، بدون شک فشار آن بطور مضاعف بر انسان و زندگی او وارد خواهد آمد.

تنوع حیاتی، بنیان و اساس سلامت محیط زیست کره زمین بوده و منبع اصلی فعالیت اقتصادی و امنیت غذایی ما و نسلهای آینده را تشکیل می‌دهد.

در فرهنگ‌های مختلف انسانی، آنچه را که می‌توان همسو و هم جهت یافت، پاسداری و نگاهبانی از نعمت‌های الهی است، و اصولاً خلقت طبیعت بر پایه تنوع آفرینی است و این یکی از رازهای بزرگ خلقت است.

در دین مقدس ما شکر نعمت‌های مختلف خداوندی واجب شمرده است، و وقتی صحبت از نعمت‌های بیکران می‌شود، بلحاظ زیست محیطی، تنوع خلقت در طبیعت از آثار اولیه آن بشمار می‌رود.

خداوند بزرگ طبیعت را متنوع آفریده است و به انسان نیز هشدار داده است که شکر نعمت را همواره بجا آورد. تنوعات طبیعی در واقع نعمتهای الهی اند و لزوم شکر آن نیز بر همه انسانها واجب.

باید بدانیم، وقتی میتوانیم فعالیت اقتصادی سالمی داشته باشیم و وقتی می‌توانیم غذای لازم برای خود و نسل آینده تامین نمائیم، که نسبت به حفظ و حراست ذخائر طبیعی اقدام شایسته‌ای بعمل آوریم.

بررسیهای بعمل آمده نشان می‌دهد که

کشورهای در حال توسعه، بخاطر آنکه بتوانند پاسخگوری رشد جمعیت خود باشند، باید تا ۲۵ سال آینده ۶۰ درصد بیش از آنچه که امروز غذا تولید می‌نمایند، تولید داشته باشند. از طرفی دیگر می‌دانیم که، امروزه از امکانات موجود اراضی و همچنین دریاها حداکثر بهره‌برداری بعمل می‌آید و می‌توان گفت که در واقع اتکاء به توسعه اراضی و نیز دریاها گرچه ممکن است محال نباشد ولی بسیار مشکل و محدود بنظر می‌رسد، بنا بر اتکا صرف به آن از این طریق نمیتواند پاسخگوری تامین غذای نسل‌های آینده باشد. گو اینکه در سسالهای آتی دستیابی به فنون و تکنولوژیهای مدرن‌تر کار تولید مواد غذایی را آسانتر و سریعتر خواهد ساخت، ولی باید قویاً بدانیم که مطمئن‌ترین راهی که برای تامین غذای مورد احتیاج نسل‌ها وجود دارد، اتکا آن راه به دامنه ژنتیکی گونه‌های متنوع طبیعت بویژه گیاهان می‌باشد.

امروزه، متأسفانه، بدلائل مختلف، تنوع حیاتی طبیعت به سمت از بین رفتن و یا کاهش شدید گونه‌ها سوق داشته و این خطرریست که واقعاً سلامت محیط زیست و نیز فعالیت اقتصادی انسانها را با مخاطره شدید مواجه خواهد ساخت.

از بین رفتن تنوع حیاتی طبیعت، معلول رفتارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد، عده قلیلی از جمعیت جهانی به دلیل ثروتمند بودن (کشورهای پیشرفته) استفاده از تمامی منابع کره زمین را برای خود جایزه می‌دانند و از طرف دیگر عده کثیری از جمعیت جهانی به دلیل فقر و تنگدستی (کشورهای در حال توسعه) بمنظور صرفاً سیر کردن خود و اطرافیان خود، حداکثر برداشت بی رویه از طبیعت را برای خود جایزه شمرده است، فرآیند این دو پدیده نادرست، منجر به نابودی گونه‌های متنوع موجودات کره زمین شده

است، که در ذیل به گوشه‌هایی از آن و در ارتباط با منابع ژنتیکی مختلف اشاره مختصر می‌شود.

۱- منابع ژنتیکی گیاهی

منابع ژنتیکی گیاهی در تامین مواد غذایی نقش قطعی و تعیین کننده‌ای داشته و گیاهان حدود ۹۳ درصد از مواد غذایی و خوراک انسان را تامین مینمایند.

براساس برآوردهای انجام شده، از آغاز قرن بیستم تاکنون حدود ۷۵ درصد از تنوع ژنتیکی گیاهان زراعی از دست رفته است که در نتیجه آن جهان بطور فزاینده‌ای وابسته به واریته‌های زراعی کمتر و کمتری شده است که حاصل آن نیز نابودی و انقراض سریع ذخائر ژنتیکی می‌باشد.

گو اینکه واریته‌های گیاهی اصلاح و هم ریخت شده ژنتیکی از عملکرد تولیدی بالاتری برخوردار است، اما باید توجه داشت که اتکاء دائمی به این نوع گیاهان هر آن ممکن است خطر جدی و غیر قابل کنترلی را بوجود آورد.

چرا که عموماً این نوع واریته‌ها در مقابل آفات و امراض آسیب‌پذیر بوده و در نتیجه شیوع بیماری و یا آفت، سرعت انتقال آن به کل مزرعه امکان‌پذیر می‌باشد و از این رو می‌تواند خسارت شدید و سنگینی به مزرعه و زراعت وارد آورد.

در دهه ۱۸۴۰ در رابطه با زراعت هم ریختی ژنتیکی سیب زمینی در ایرلند تجربه تلخی اتفاق افتاد که حاصل آن بروز قحطی و بکام مرگ کشیده شدن بیش از یک میلیون انسان بوده است.

منابع ژنتیکی حیوانی

طبق بررسی بعمل آمده، در طول یکصد سال گذشته نابودی و انقراض گونه‌های حیوانی بصورت فاحش ادامه داشته است که عمدتاً نیز بدلیل اصلاح نژاد دامهائی که دارای عملکرد بالائی می‌باشند بوده است. نیمی از گونه‌های دامی از بین رفته در طی این دوره فقط در اروپا می‌باشد و از ۷۷۰

گونه باقیمانده نیز یک سوم آن در طول ۲۰ سال آینده از بین خواهد رفت. در آلمان، فقط ۵ گونه از ۲۵ گونه گاو بومی باقیمانده است و در آمریکای شمالی بیش از یک سوم از مجموع گونه‌های دامی و طیور در حال انقراض می‌باشند. باین موضوع باید توجه داشت که امروزه گونه‌های بومی موجود در کشورهای در حال توسعه بیش از گونه‌های بومی موجود در کشورهای صنعتی می‌باشند.

منابع ژنتیکی ماهیان

ماهگیری، پرورش و تکثیر ماهی و نیز داد و ستد و تجارت آن از قرن‌ها پیش بعنوان عاملی برای تامین غذا، اشتغال و درآمد برای ساحل نشینان و افرادی که از آبهای داخلی به ماهیگیری و پرورش ماهی می‌پردازند بوده است. تنوع حیاتی آبزیان، بدلیل بهره برداری بیش از حد و اندازه و نیز مغرفی گونه‌های خارجی در حال از دست رفتن می‌باشند. در طول چهل سال گذشته صید ماهی در جهان چهار برابر شده است و بر اساس بررسی‌های بعمل آمده استفاده سنگین از تکنولوژیهای مدرن ماهیگیری و در نتیجه بدست آوردن سود هرچه بیشتر در مدت زمانی کم و حمایت مستمر دولت‌ها از این امر، موجب شده است که اثرات تخریبی زیادی بر روی ذخائر ماهیان و همچنین اکو سیستم‌های طبیعی نظیر جزایر مرجانی و بستر گیاهان دریایی بر جای بماند.

منابع ژنتیکی درختان جنگلی

قریب به ۳۰ درصد از سطح خشکیهای جهان را جنگل و درختان جنگلی پوشانیده، و جنگل‌ها محل سکونت حدود ۲۰۰ میلیون نفر انسان می‌باشند.

بهنگام کاهش سطح جنگل‌ها و یا برداشت چوب از آن بسیاری از درختان موجود در جنگل نیز از دست می‌روند. جنگل‌ها و درختان مناطق حاره‌ای گرچه حدود ۱۳ درصد از کل جنگل‌های جهان را

تشکیل می‌دهند، اما حداقل نیمی از گونه‌های شناخته شده گیاهی و جانوری جهان را در خود جای داده‌اند.

طبق بررسی بعمل آمده سالیانه حدود ۱۵/۴ میلیون هکتار از جنگل‌های حاره‌ای بین سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۹۰ ویران و نابود شده است. در اروپای و آمریکای شمالی مواد آلوده کننده صنعتی عامل اصلی از بین رفتن جنگل‌ها می‌باشند.

بیشترین نابودی و انهدام جنگل‌ها در آمریکای لاتین رخ داده که متوسط سالیانه آن حدود ۷/۴ میلیون هکتار بوده است و بعد از آن آفریقا با متوسط سالیانه ۴/۱ میلیون هکتار و سپس آسیا و اقیانوسیه می‌باشد که سالیانه بطور متوسط ۳/۹ میلیون هکتار از سطح جنگل‌های آن کاسته شده است.

باید توجه داشت که منظور از محترم شمردن گونه‌های متنوع طبیعی بهیچ وجه به آن معنی و مفهوم نیست که ناپستی از واریته‌های اصلاح شده و مدرن استفاده کرد، بلکه معنی واقعی آن این است که بدانیم:

تنوع حیاتی پشتوانه زندگی است، اگر از بین بروند، انسان نیز خواهد مرد.

بقیه از صفحه ۱۸

اعضاء اهمیت قائل می‌شوند و آنوقت است که شرکت بکلی حالت تعاونی خود را از دست می‌دهد.

اصل آموزش در کلیه شرکتها - اتحادیه‌ها - مجامع و سمینارها و کنفرانس‌های بین المللی تعاون بعنوان یکی از مهمترین اصول تعاون پذیرفته شده و همه باهمیت آن پی برده‌اند. کمیته آموزش حساسترین وظایف را در شرکت تعاونی بسرعه‌ده دارد و باید از مؤمن‌ترین و مطلع‌ترین افراد تعاونی تشکیل گردد. عضو تعاونی باید مفاد و مطالب مندرج در اساسنامه شرکت را به خوبی خوانده و با اصول کلی آن آشنا باشد.

شرکت تعاونی نباید قسائم به یکسفر مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره باشد. هر یک از اعضاء باید در پیشبرد کار شرکت در خود احساس مسئولیت نمایند. خود را در خوب و بد شرکت سهیم بشمارند و برای بهتر شدن کار و خدمت شرکت در حدود امکانات کوشش کنند.

عضو بی تفاوت و خونسرد و بی‌اعتنا به سرنوشت شرکت پایه‌های استحکام و قدرت و اعتبار شرکت رامتزلزل می‌کند -

عضو کاردان و علاقمند به کار تعاون، می‌تواند منشاء خدمات فراوانی برای خود و دیگران و نهضت جهانی تعاون باشد و اعتبار و حیثیت اجتماعی بزرگی کسب نماید.

بی‌مناسبت نیست که گفته‌اند:

هر کس یکبار در کار تعاون واقعاً با دانش کافی و صمیمانه شرکت کند و ارزش حقیقی آنرا درک نماید، برای تمام عمر تعاونگر باقی خواهد ماند.